

وزارت تحصیلات عال
دانشگاه کابل
داشکده زبان و ادبیات
دیپارتمنت فارسی دری

افسانه‌ها، قصه‌ها و اسطوره‌های فارسی در سایر زبان‌ها

یحیٰی صدیق
دکتر سیداکرام الدین حصاریان

سال 1403

ست؟

نور عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، یعنی «آنچه خیالی و غیرواقعی بوده و جنبه‌ای صرفاً افسانه‌ای دارد». باید داستان و سرگذشتی می‌تواند دانست که شرح عمل، عقیده یا یک نهاد است که دست‌کم بخشی از سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد.

مناسی به بررسی اسطوره‌ها می‌پردازد. روایات و داستان‌های شفاهی متکی باشد به نام تاریخ اسطوره‌شناسی یاد می‌شود. تب توسط مقامات سکولار و مذهبی تأیید می‌شوند و ارتباط نزدیکی با دین یا معنویت دارند.

همی چندوجهی است که به داستان‌ها، روایت‌ها یا باورهای اطلاق می‌شود که عموماً ریشه در فرهنگ، کثرت‌جمع‌گرا دارند.

اغلب در مورد خدایان، موجودات فراطبیعی، آفرینش جهان، یا اتفاقات مهمی هستند که توضیح‌دهنده‌ی یکی جهان و انسان‌ها هستند.

ع اسطوره‌ها

نورهای آفرینش: درباره منشأ جهان و انسان‌هاست.

نورهای قهرمانی: داستان‌هایی از قهرمانان که نمایانگر ارزش‌های فرهنگی هستند.

گی‌های اسطوره

ناتاریخی بودن: اسطوره‌ها معمولاً به زمان‌هایی بازمی‌گردند که از دیدگاه فرهنگی، "زمان آغازین" مان مقدس "نامیده می‌شود.

سمبولیک بودن: اسطوره‌ها اغلب با نمادها و معانی چندلایه همراه هستند.

نقش تربیتی: بسیاری از اسطوره‌ها در انتقال آموزه‌ها و ارزش‌های اخلاقی و تربیتی نقش دارند.

نایت چیست؟

ایت نوعی داستان یا روایت کوتاه است که معمولاً هدف آن آموزش، پند و اندرز، یا انتقال یک م و اخلاقی و تربیتی است. حکایات اغلب با زبانی ساده و روان بیان می‌شوند و می‌توانند واقعی یا ی باشند.

گی‌های حکایت

تعلیمی بودن: هدف اصلی حکایت، انتقال یک پیام اخلاقی یا تربیتی است.

سادگی زبان: زبان حکایت ساده و قابل‌فهم برای عموم مردم است.

شخصیت‌ها: ممکن است شامل انسان‌ها، حیوانات یا اشیاء باشد که به‌صورت نمادین رفتار می‌کنند.

کوتاهی متن: حکایات معمولاً کوتاه هستند و در کمترین زمان ممکن پیام خود را منتقل می‌کنند.

ه‌ها

نتان‌هایی هستند که برای سرگرمی، آموزش، یا انتقال ارزش‌ها و مفاهیم فرهنگی روایت می‌شوند. داستان‌های حکایات که کوتاه و اغلب دارای پیام اخلاقی مشخص هستند، قصه‌ها ممکن است طولانی‌تر نند و عناصر تخیل و روایات پیچیده‌تری داشته باشند.

گی‌های قصه

داستان‌پردازی تخیلی: قصه‌ها معمولاً شامل روایات خیالی یا افسانه‌ای هستند که ممکن است در دنیایی متفاوت از دنیای واقعی رخ دهند.

شخصیت‌های متنوع: قصه‌ها می‌توانند شامل انسان‌ها، حیوانات، موجودات افسانه‌ای یا حتی اشیاء سخنگو باشند.

پیام‌های پنهان یا آشکار: برخی قصه‌ها صرفاً برای سرگرمی‌اند، اما بسیاری از آن‌ها پیام‌های اخلاقی، اجتماعی یا فرهنگی دارند.

نقل سینه به سینه: قصه‌ها معمولاً به‌صورت شفاهی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده‌اند.

فاوت قصه و حکایت

طول و پیچیدگی: قصه‌ها طولانی‌تر و پر جزئیات‌تر از حکایات هستند.

هدف: قصه‌ها بیشتر برای سرگرمی و تخیل‌پردازی هستند، اما حکایات عمدتاً بر آموزش و پند تمرکز دارند.

فضا: قصه‌ها اغلب شامل دنیای خیالی یا عناصر شگفت‌انگیز می‌شوند، درحالی‌که حکایات بیشتر به مسائل واقعی یا ساده می‌پردازند. نمونه‌های معروف: قصه‌های هزار و یک شب؛ مانند داستان "علاءالدین و چراغ جادو" یا "سندباد بحری".

فسانه‌ها، قصه‌ها و حکایات زبان فارسی در دیگر زبان‌ها

بشتر آثاری که از زبان پهلوی به عربی ترجمه شده و در ادبیات عرب تأثیر خود را داشته، افسانه است. ترجمه‌ی افسانه‌های خراسانی مانند سایر کتب پس از انتشار اسلام، به سبلی مترجمان و ناقلان به عربی برگردان شده است.

افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی، مانند داستان‌های شاهنامه، هزار و یک شب (که بخشی از آن

ریشه در ادبیات فارسی دارد)، و منظومه‌های عاشقانه‌ای چون خسرو و شیرین و لیلی و

مجنون، از طریق ترجمه به عربی، ترکی و زبان‌های غربی وارد شدند و بر ادبیات آن‌ها

تأثیر گذاشتند.

هزار و یک شب: این مجموعه از داستان‌ها که برخی از آن‌ها مانند قصه‌های سندباد و

علاءالدین ریشه در فرهنگ ایرانی دارند، به زبان عربی ترجمه و سپس به زبان‌های

اروپایی منتقل شد و تأثیر عمیقی بر داستان‌نویسی غرب داشت.

شاهنامه: این اثر به‌ویژه در ادبیات ترکی عثمانی الهام‌بخش شاعران و نویسندگان شد.

اسطوره‌های ایرانی مانند داستان آفرینش در اوستا، نبرد میان خیر و شر (اهورامزدا و

اهرمین)، و اسطوره‌های مربوط به قهرمانانی چون رستم و سیاوش، در دیگر فرهنگ‌ها

انعکاس یافته‌اند.

در فرهنگ هندی، تأثیر متقابل بین اسطوره‌های ایرانی و هندی در دوره‌های باستانی

مشهود است.

اسطوره‌های زرتشتی مانند نبرد نهایی میان سپنتا مینو و انگره مینو به ادبیات مسیحی و

حتی آثار فلسفی غربی راه یافته‌اند.

ادبیات فارسی از طریق ترجمه‌های آثار کلاسیک، مانند ترجمه شاهنامه و رباعیات

خیام، تأثیر عمیقی بر نویسندگان و شاعران غربی گذاشته است. ترجمه رباعیات خیام

توسط ادوارد فیتزجرالد در قرن نوزدهم باعث شد که خیام به یکی از تأثیرگذارترین

شاعران ایرانی در جهان غرب تبدیل شود.

اسطوره‌های فارسی نیز الهام‌بخش نویسندگانی مانند گوته (در نگارش دیوان غربی -

شرقی) بوده‌اند.

پاتر مجموعه ۸۰ داستان مشابهی را جمع‌آوری کرده‌است که بیش از هفتاد نمونه پایانی

مرگ‌بار دارد و بیشتر آنها فرزند جوان است که قربان می‌شود.

در چندین نمونه نیز پایانی داستان خوش است و معمولاً چنین داستان‌های در مجموعه

داستان‌های عامیانه قرار دارد.

در بین نمونه‌های که پاتر گردآورده‌است آشنایی دو قهرمان داستان (زن و مرد) یک شب

است و کامل‌ترین روایت آریایی است. از این آشنایی یک شب فرزندی زاده می‌شود

که جایگاه او در فرم روشن نیست از این نمونه‌ها یکی از روایت **ایرلندی (کوخولین)** است

که در آن به فرزند تأکید می‌شود که اصلاً نام خود را نگویید. پدر، پسر را سخت مجروح

می‌کند و پس از آگاهی از هویت او بر روی است نزد دیگر پهلوانان می‌آورد و می‌گوید؛

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

این من و این پسر من.

مانندهای کی خسرو در اسطوره و ادبیات و تاریخ ملل

کی خسرو در زمره شخصیت‌های اساطیری است که نزد نیاکان مشترک ایرانی و هندی مشهور بوده اند. نام او در ریگ ودا به صورت سوشروس آمده است.

دار مستتر افسانه به کوه رفتن **کی خسرو** و جنگجویانش را با یکی از وقایع حماسه معروف هند، **مهابهاراتا** مقایسه کرده است. در این حماسه **یو‌دی شدهیره** از جهان بیزار می‌شود و پس از تعیین جانشین خود با چهار برادرش به دامنه‌های هیمالیا روی می‌آورد. همراهان او یکی پس از دیگری در راه از پای در می آیند و تنها خود او و سگ باوفایش که همان ذرمه یا راستی است موفق می‌شوند که به بهشت گام بگذارند. نشانه‌هایی که به جای مانده حکایت دارد که باید این داستان صورت نگگون شده ای از اسطوره کهن نبرد ایزد باران و دیو خشک سالی باشد.

هر تسفلد داستان کیخسرو و افراسیاب را صورت جدیدتر نبرد اینترا» یا ایزد بهرام با «ورترا» می داند. ایزد ایندیره به مقابله ازدهای ورتزه میشتابد. ورتزه آنها را گرفتار کرده و در غارهای کوه بسته نگاه داشته بود. این بدان معنی است که ورتزه مانند تیامت در اساطیر بابلی شهریار مطلق قلمرو آشوب پیش از آفرینش بوده است و یا اینکه با مسدود کردن آنها و ننگ داشتن آنها تنها برای خودش جهان را دچار خشک سالی کرده بوده است و سرانجام ایزد ایندیره سر ازدها را می برد.

همچنان که پی‌داست شباهت‌های این اسطوره رومی با سرگذشت کی‌خسرو از این فرار است.

۱- تعلق به خاندان شاهی

۲- دور ماندن از خانواده در شیر خوارگی و پرورش به دست چوپانان

۳- کشتن یکی از خویشان نزدیک

۴- بنا کردن شهری جدید شهر رم به دست رومولوس و بر زمین نشاندن کنگ دژ به

دست کی‌خسرو

۵- ناپدید شدن در طوفان و سرانجام نامعلوم

۶- عروج به آسمان

داستان **روسی ایلیا مورومتیر و فالاکن** که در آن هر چند پدر و پسر یکدیگر را می شناسند، پدر به ترفندی از کشته شدن جان پدر می‌برد و باز پسر را می کشد.

روایت **ژرمنی هیلده براند و هادویراند** با داستان **رستم و سهراب** از لحاظ ادبی وجوه اشتراکی دارد. در آن پدر و پسر به جنگ ناشناخته می‌پردازند و سرانجام پسر کشته می‌شود. داستان **یونانی اودیسیوس و تلگونوس** که در آن زن **افسونگر** برای نبرد با پسر خود سلاحی جادویی می‌دهد و پدر با آن زخم بر می‌دارد.

داستان لانسلوت که در آن پدر، دختری خود را به همبستری با پهلوانان وادار می‌کند تا فرزندی از آن دو زاده شود.

تیپ شخصیتی کی‌خسرو مورد مشابهی نیز در افسانه‌های دینی و پهلوانی **چین باستان** به نام **پادشاه هوانگ دی** دارد. **کی‌خسرو** و **هوانگ دی**، هر دو شاهنشاهی جنگاور و **پیروزوند** که نامشان عنوان دوره درخشان بهروزی و سرافرازی و نماینده همبستگی و بزرگی سرزمین آنها به شمار می‌رود. هر دو آنان در اوج نیرومندی و پیروزی از پادشاهی کناره می‌گیرند و فرمانروایی این جهانی را به خاطر دست یافتن به پایگاه والای آن جهانی فرو می‌گذارند. هر دو بی آنکه طعم تلخ مرگ را بچشند به سبب عظمت روحی خود به آسمان می‌روند. هر دو جای‌نمایی را در تاریخ تصوف سرزمینهای خود اشغال می‌کنند. شاهنشاه بزرگ ایران را به ویژه به سبب اختصاص **جام گیتی** **نمای بد** و یادآوری می‌کنند و شاهنشاه بزرگ چین را به علت داشتن گوهر دانیی همواره به یاد می‌آورند.

در **اساطیر رومی**، **رومولوس** و **رموس** دو برادر توآمان از فرزندان پادشاهان **آلب** بودند که به دلایلی در کودکی از خانواده دور افتادند. **ماده گرگی** به آنها شیر داد و مانع از هلاک آنها شد. سپس یکی از چوپان‌های شاهی که از آنجا می‌گذشت آنان را دید دلش به رحم آمد و آنان را به همسر خود سپرد. بعدها دو برادر تصمیم به بنای شهری گرفتند اما در همان **آغاز رموس را رومولوس کشت** شهر ساخته شد و این شهر همان **رم** است که **رومولوس** پادشاه آن گردید. او پس از سی سال سلطنت به نحو مرموزی در طوفان ناپدید شد. بنا بر پاره‌ای روایات خدایان او را به آسمان برده‌اند و در زمره خدایان در آمده است.